

گونه شناسی ریتونهای مفرغی هزاره سوم (بر اساس مطالعه نمونه های کشف شده در استان کرمان) در جنوب شرق ایران و بررسی سیر تحول سبک ساختاری آن در دوران تاریخی بر اساس بررسی نمونه های مشابه

محبوبه ناصری طهرانی

کارشناس ارشد باستان شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان

چکیده:

آنچه مسلم است با طلوع عصر مس و دستیابی بشر به آن، تحولی عظیم در صنعت و تولید روی داد که از صنعت سفال نیز پیشی گرفت. پایگاه های ذوب فلز و ریخته گری بنا شد تولید ابزار و ادوات، ظروف و زیور آلات و تزیینات فلزی با کشف آلیاژ مفرغ به انبوه رسید و هنر نیز در صنعت عظیم فلز کاری متبلور گردید. در کنار اشیاء کاربردی فلزی که با خاصیت چکشخواری و شکل پذیری مس بشر را تا حدود زیادی از ابزار سنگی بی نیاز کرده، اشیاء زینتی و تشریفاتی نیز جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص می دهد. زیور آلات، ظروف و ادوات تشریفاتی چون شمیر و خنجر و تبر های تزیین شده به نقوش ظریف کننده و یا برجسته توسط فن ریخته گری و قلم زنی به اشکال زیبای طبیعی و هندسی چون شاخ و برگ گیاهان و حیوانات و موجودات اسطوره ای نمایشی وزین از هنر فلز کاری دوران مفرغ است و کشف نمونه های بی نظیر در محوطه هایی که خود از پایگاههای مهم صنعت مس و مفرغ است نشان از اقتصاد بومی فلز در حوزه جنوب شرق ایران است. نمونه های بدیع ظروف فلزی خود جایگاهی ویژه در راستای مطالعات هنر فلز کاری است که از این میان نمونه های نادری چون ریتونهای فلزی که نمونه های سفالی آن از گذشته رواج داشته، از نظر پنهان نیست. آنچه در این تحقیق مطرح می شود بررسی و گونه شناسی ریتونهای به دست آمده در حوزه جنوب شرق و در استان کرمان است که بسیار محدود است. سه نمونه از حفاریهای غیر مجاز در این حوزه و دیگری در حفاری های باستان شناسی گورستان محطوط آباد جیرفت کشف گردیده است که البته با تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته تولید ریتونها در این دوران اندک بوده و فقط جهت مراسم آیینی یا تشریفاتی مورد استفاده قرار گرفته است. اما گونه شناسی این نمونه ها کمک شایانی به سیر تحول این ظروف در دوران تاریخی خواهد نمود.

واژگان کلیدی: ریتون های فلزی، عصر مفرغ، جنوب شرق ایران

به نظر می‌رسد اولین رد پای فلزکاری را در دنیا باید در کوههای زاگرس و شمال بین‌النهرین جستجو کرد. حدود ۹۵۰۰ سال ق.م ساکنان غار شنیدار در کوه‌های زاگرس اقدام به ساخت اشیاء فلزی (مس) کردند. در برخی مناطق باستانی ترکیه نیز، شواهد استفاده از فلز مس مربوط به ۷۲۰۰ ق.م در چایانو تپه سی و ۶۵۰۰ ق.م در چتل‌هویوک و ۵۷۰۰ ق.م از حفاریات جان حسن به دست آمده است. در ایران ساکنان علی‌کش در منطقه دهلران خوزستان، در حدود ۶۰۰۰-۶۷۵۰ ق.م، با توجه به مهره یافت شده از دوره علی‌کش که از مس بومی به وسیله چکشکاری سرد ساخته، در استفاده از فلز قدم برداشته‌اند. ساکنان تپه شمالی سیلک در حدود هزاره پنجم ق.م و در طبقه دوم سیلک در حدود ۴۰۰۰-۴۵۰۰ ق.م وارد دوره فلز کاری شده‌اند (moorey, 1969, 132). همزمان با طبقه دوم سیلک، ساکنان حصار در طبقه I و لایه‌های A-C با فلز آشنایی پیدا کردند. کاوشهای تپه قبرستان قزوین مدارک تازه‌ای در رابطه با ذوب فلز مس در هزاره پنجم ق.م را نشان داد. در این کاوش دو کارگاه ذوب مس و قالبهای ذوب یافت شد. گیرشمن در حفاری تپه گیان‌نهاد، در طبقه V، شواهدی چون سنجاقها و تیغه خنجر که با روش ذوب و تکنیک قالبگیری ساخته شده‌اند (۴۳۰۰-۴۲۰۰ ق.م) را یافت. یکی از مکان‌های پیش از تاریخ ایران که مدارک ارزنده‌ای، دال بر ذوب مس و ابزارهای مسی را ارائه داده است تل‌ابلیس کرمان است و آنچه که بیشتر از هر چیز، مورد توجه حفار آن قرار گرفت، وجود سرباره‌های زیادی بود که در سطح آن ریخته بود (صراف، ۱۳۸۲، ۷-۸).

وجود بوته‌های ذوب فلز در لایه‌های اولیه تل‌ابلیس، بیانگر فعالیت‌های فلزکاری در اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد در این مکان است. در هفت دوره فرهنگی تپه یحیی (به غیر از دوره III) می‌توان نمونه‌هایی از قطعات و اشیاء مسی و برنزی را (حتی در برخی دوره‌ها به صورت محدود)، مشاهده کرد. در محوطه باستانی شهداد، محلی کشف شده که با توجه به آثار و قطعات سفالی و نمونه‌های بدست آمده که جنبه صنعتی داشتند، مانند کوره‌ها و بوته‌های ذوب فلز و قالبهای ریخته‌گری به جایگاه صنعتگران فلزکاری پیش از تاریخ شهداد، معرفی گردید. در کاوشهای باستان‌شناختی حریم محوطه کنار صندل جنوبی جیرفت، مجموعه‌ای از آثار معماری آشکار شد که با آثار و شواهدی از فلزکاری همراه بود. معادن غنی مس در حوزه جنوب شرق ایران و کشف آثار و نمونه‌های قابل توجه فلزکاری در حوزه جنوب شرق ایران، حاکی از وجود صنعتگران محلی در منطقه بوده و شکوفایی هنر فلزکاری (مفرغ) را می‌توان در هزاره سوم ق.م و دوران مفرغ میانی در حوزه جنوب شرق ایران جستجو نمود.

یکی از شاهکارهای هنر فلز کاری در این دوره ریتون است که به احتمال قوی می بایست، رد پای پیدایش آن را در قالب فلز از هزاره چهارم دنبال نمود و مسلماً آنچه از شواهد بر می آید تولید به صورت انبوه نبوده است. طبق شواهد باستان شناسی پیشرفت این هنر را در دوران ماد و اوج شکوفایی آن را در دوران هخامنشی شاهد هستیم.

پیشینه تحقیق:

در خصوص ریتونهای مفرغی کشف شده در حوزه استان کرمان تا کنون مطالعاتی صورت نگرفته است. اما نمونه های متنوعی از ریتونهای فلزی را از دوران های تاریخ می توان جستجو نمود .

روش تحقیق:

این تحقیق به روش مطالعات موزه ای در کنار مطالعات کتابخانه ای به گونه شناسی ریتونهای مفرغی مکشوفه در حوزه استان کرمان در عصر مفرغ پرداخته و با مقایسه نمونه های تکامل یافته در دوران بعدی سیر تحول آن را بررسی خواهد کرد.

حوزه مورد مطالعه

ریتون های مورد مطالعه در این تحقیق از حفاریهای باستان شناسی گورستان محطوط آباد جیرفت و حفاریهای غیرمجاز در استان کرمان صورت گرفته است.

از پایگاه های مهم ذوب فلز مس در این حوزه می توان به مراکز ذیل اشاره نمود :

یکی از مناطقی که شواهدی از صنعت بومی ذوب فلز مس و بکار گیری آگاهانه از فلز مفرغ را در طی کاوشهای علمی انجام شده، آشکار نموده، حوزه هلیل رود (بخش صنعتگران محوطه باستانی کنار صندل جیرفت) در جنوب شرق ایران می باشد که یکی از رودهای دایمی ایران است. حوزه آبریز هلیل رود با وسعتی معادل ۸۴۵۰ متر مبع در جنوب شرق ایران و استان کرمان واقع شده است. این حوزه امروزه شهرستانهای بافت، جیرفت، کهنوج و عنبر آباد را در بر می گیرد. وجود ارتفاعاتی چون لاله زار، بحر آسمان و جبالبارز و ذخایر نسبتاً فراوان از بارش

طبیعی برف و باران که در مناطق کوهستانی و به خصوص در فصل زمستان می بارد، موجب شده است تا حوزه بزرگ آبریزی در این بخش از ایران شکل گیرد (علیدادی سیلمانی، ۱۳۸۳، ۲۵-۲۱).

تل ابلیس بفاصله حدود ۲/۵ کیلومتری جنوب غرب دهستان دشتکار و ۷ کیلومتری جنوب شرق شهر بردسیر در دشتی وسیع و هموار واقع شده است. این محل برای نخستین بار در سال ۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی) که توسط سراورل اشتاین مورد بازدید قرار گرفته بود، ارتفاع تپه را حدود ۱۱ متر از سطح زمینهای اطراف و قطر پایه آن را حدود ۱۰۰ متر تخمین زده بود گزارش مختصری در مورد آن به چاپ رسیده بود. بدنبال بررسی اشتاین، در سال ۱۳۴۲ خورشیدی هیاتی به سرپرستی ژوزف کالدول از تپه بازدید تا اینکه در سال ۱۳۴۵ حفاری در این محل آغاز شد با حفر ترانشه‌های متعدد و لایه‌نگاری صورت گرفته، در تل ابلیس سفال‌ها را بر اساس لایه‌نگاری از قدیم به جدید طبقه بندی و سپس سفال‌های هر لایه را با نام ویژه‌ای که برگرفته از مکان‌های باستانی بررسی شده حوزه بردسیر است، (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸، ۳۹۵، ۳۹۶).

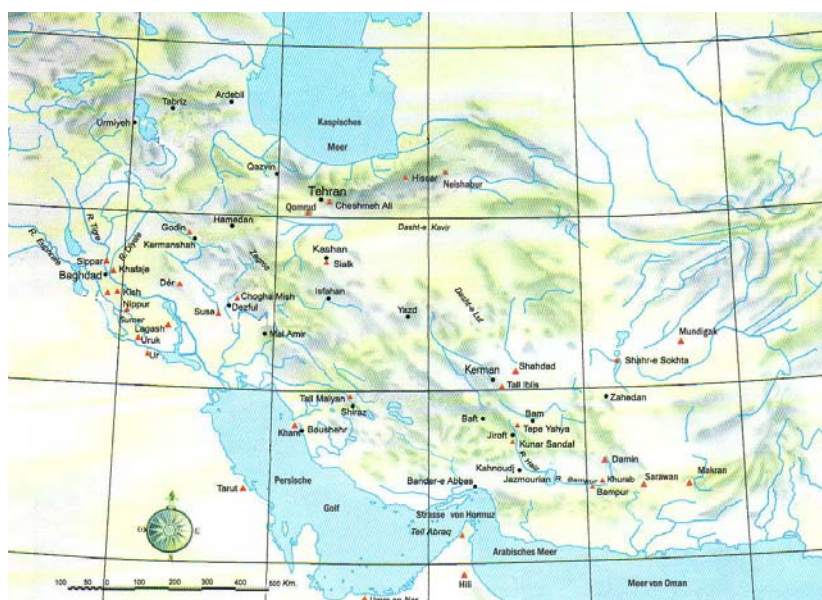
تپه یحیی به فاصله ۲۲۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان (مرکز استان) و درکناره‌ی جنوبی دشت صوغان در حوزه شهرستان بافت قرار دارد. در سال ۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی) یک هیات باستان‌شناسی از دانشگاه هاروارد به سرپرستی لمبرگ کارلووسکی ضمن بررسی بخشی از ناحیه جیرفت و دولت‌آباد شهرستان بافت، به کاوش در تپه یحیی واقع در دشت صوغان پرداخت. تپه یحیی برجستگی مدوری است که قطر پایه آن حدود ۱۸۷ متر است و ۱۹ متر از سطح دشت پیرامون بلندی دارد رودخانه کیش شور که به فاصله ۷۵ متری شرق تپه قرار دارد مهمترین منبع آب استقرارهای پیش از تاریخ تپه بشمار می‌رفته است. در نتیجه کاوشهای نخستین فصل مشخص گردید که تپه یحیی از حدود اواسط هزاره پنجم پیش از میلاد تا حدود اواخر هزاره سوم پیش از میلاد بدون هیچ وقفه‌ای مسکون بوده است. از آغاز هزاره دوم ق. م. تا نیمه دوم هزاره دوم ق. م. تپه یحیی متروک شده بود. و پس از آن تا اوائل دوره ساسانی مسکون بوده است.

بر اساس شواهد و داده‌های بدست آمده از کهن‌ترین لایه در تپه یحیی که حفار آن را به دوره نوسنگی نسبت می‌دهد این دوره از استقرار در تپه یحیی را می‌توان دوره استقرار کامل در روستاها نامید. نتایج حاصل از آزمایشات کربن ۱۴ بر روی گونه‌های سفال خشن کهنترین لایه تپه یحیی رقم ۳۸۰۰-۴۵۰۰ پیش از میلاد را داده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸، ۴۰۶، ۴۰۷).

محوطه باستانی دشت لوت شهداد بفاصله یکصد کیلومتری شرق کرمان و حدود ۳ کیلومتری شهر امروزی شهداد واقع شده است و برای نخستین بار در سال ۱۳۴۸ خورشیدی بعد از یک بررسی و گمانه زنی اولیه مورد کاوش قرار گرفت. کاوشهای شهداد تا سال ۱۳۵۶ به استثنای سالهای ۵۳ و ۵۴، بمدت هشت فصل ادامه یافت.

در سال ۱۳۵۵ خورشیدی، بفاصله حدود ۸۰۰ متری شمال کارگاه اصلی شهداد، هیات با بررسی‌های اولیه صورت گرفته که موفق به شناسائی شواهدی از معماری در سطح زمین شده بود، اقدام به حفاری در این محل نمود که با گسترش حفاری در نهایت تعداد زیادی اطاق کار، انبار، کوره‌های ذوب مس با بوته‌های گلی کوچک و بزرگ آشکار شد.

حاکمی با توجه به نتایج حاصله از بررسی محوطه‌های شرقی در حوزه تکاب، گمانه‌زنی‌ها، کاوش در گورستان‌های سه گانه و کاوش در محله صنعتی می‌نویسد: «مرحله دوم از دوره تکاب چهار را باید قدیم‌ترین فرهنگ باستانی جلگه تکاب، به شمار آورد که در اواخر هزاره چهارم ق. م. به منصف ظهور رسید و تا سده‌های نخستین هزاره سوم پ. م. دوام یافت» (همان منبع ۱۳۸۵، ۲۴۹).



نقشه شماره یک: مهمترین محوطه‌های عصر مفرغ در ایران و مناطق همجوار

ریتون:

کوک یا ریتون به انگلیسی، Rhyton به یونانی، $\rho\upsilon\tau\acute{\iota}\omicron\nu$ با تلفظ روتون ظرفهایی بودند که در دوران کهن به شکل جانوران ساخته می‌شدند. تکوک معمولاً آوندی بود زرین یا آهنین به صورت گاو یا ماهی یا مرغ و با آن بیشتر شراب می‌خوردند. (دهخدا، سرواژه تکوک.)

ریتون‌ها بر حسب شکل ظاهری خود به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱- ریتون‌هایی که ساغر آن‌ها با قسمت قدامی مجسمه زاویه قائمه می‌سازند.

۲- ریتون‌هایی که ساغر آن‌ها با انحنای ملایمی به قسمت قدامی مجسمه متصل می‌شوند

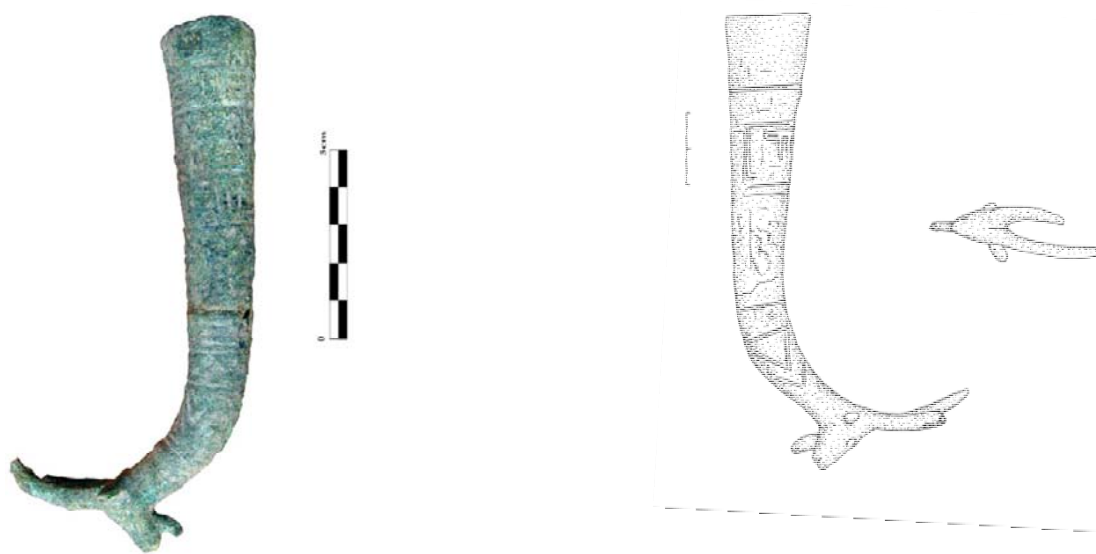
۳- ریتون‌هایی که ساغر آن‌ها مستقیماً بر سر یا گرده مجسمه نصب شده‌اند (۸۰، ۷۹: ۱۳۷۵، محسنی)

ریتونهای هزاره سوم نمونه‌های اولیه از ریتونهای زیبای دوران تاریخی را تداعی می‌کند که البته این اشیاء نیز در نوع خود جالب توجه است. ریتونهای یافت شده در حوزه جنوب شرق ایران که نمونه‌ای از آن در حفاری‌های علمی گورستان محطوط آباد و نمونه‌های مشابه آن در میان اشیاء توقیفی هرنندی مشاهده می‌شوند همگی از یک فرم خاص تبعیت می‌کنند که شاید بدنه این ظرف نمادی از شاخ بلند و کشیده حیوانی چون بز کوهی باشد که در انتها به سر کوچک این حیوان نیز ختم می‌شود. در ذیل نمونه‌های مکشوفه در استان کرمان مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت:

شیء شماره ۱

ریتون مفرغی به طول ۱۲/۵ سانتیمتر و قطر دهانه ۲/۳ سانتیمتر که بیشترین قطر این ظرف مخروطی شکل در دهانه آن است که هر چه به سمت انتهای آن می‌رود از قطر آن کاسته شده تا در نهایت پس از یک انحناء یا خمیدگی به سر حیوانی چون بز کوهی ختم می‌شود. سطح بیرونی بدنه این شیء کاملاً منقوش است. نقوش شامل خطوط زاویه دار برجسته‌ای است که اشکال هندسی را در نوارهای پهن موازی تشکیل می‌دهند. سر حیوان در انتهای این ظرف با ظرافت به نمایش در آمده است و جزئیات سر حیوان به طور کاملاً طبیعی نشان داده می‌شود از

جمله شاخهای کشیده و بلند، ریش و گوشه‌ها و چشمهایی که البته به علت اکسید شده شدن شئی به راحتی مشاهده نمی‌شود. برای ساخت بخش انتهایی این نوع ظرف به طور معمول از شکل سر بز کوهی استفاده شده است. ریتونهای توقیفی موجود در موزه هرنندی کرمان که از طریق کاوشهای غیر مجاز از حوزه هلیل رود کرمان بدست آمده‌اند، شباهت بسیار زیادی به این شئی که از حفاری باستان شناسی و کنترل شده گورستان محطوط آباد بدست آمده است دارند که این مدرک خود دال بر تعلق این اشیاء به عصر برنز در حوزه جنوب شرق ایران است. روش ساخت این شئی به صورت ریخته‌گری بوده و هم‌اکنون در مجموعه اشیاء مفرغی موزه هرنندی کرمان جای دارد (دوره مفرغ میانی) (شماره ثبت موزه: ۱۵۳۹) (نگارنده).



شئی شماره ۲

ریتون مفرغی به طول ۱۱/۵ سانتیمتر که قطر دهانه آن برابر با ۲/۸ سانتی متر است. انحنای ظرف از بخش میانی بدنه مخروطی شکل ریتون به شکل هلالی ایجاد شده و فرمی شبیه به شاخ بز بخود گرفته است. انتهای این ظرف

نیز به سر بز ختم می شود که با ظرافت قابل توجهی طراحی شده و انحناء شاخ ها ماهرانه و طبیعی اجرا شده است. نوار پهنی به عرض ۲/۵ سانتی متر دهانه ظرف را مزین می کند و طوقی برجسته به پهنای ۵ میلیمتر، در بخش انتهایی ظرف که به اندازه ۲/۵ سانتیمتر از سر بز در انتهای ریتون فاصله دارد، به نوعی گردن حیوان را از بدنه این شئی متمایز میکند. این شئی که به روش ریخته گری ساخته شده است، در جریان کاوشهای کنترل نشده در حوزه استان کرمان بدست آمده و هم اکنون در میان مجموعه اشیاء توقیفی موزه هنرندی کرمان نگهداری می شود (دوره مفرغ میانی) (شماره ثبت: ۱۵۴۱) (نگارنده).



شیء شماره ۳

از مجموعه اشیاء برنزی توقیفی موزه هرندی با طول ۱۴/۲ سانتیمتر و قطر دهانه ۲/۷ سانتیمتر است. تزیینات موجود بر روی بدنه این ظرف، نقوش برجسته زاویه دار در سه ردیف است، که توسط نوارهای برجسته حلقوی محاط شده اند و تمامی سطح خارجی ظرف را پوشانیده است. سر حیوان (بز) انتهای ظرف، آسیب دیده به طوری که شاخها و گوش و بخش جلویی پوزه حیوان شکسته و از بین رفته است. این شیء به روش ریخته گری ساخته شده و از کاوشهای غیر مجاز در حوزه استان کرمان بدست آمده است (دوره مفرغ میانی) (شماره ثبت موزه: ۸۰۷۲) (تصویر شماره) (طرح شماره) (نگارنده).



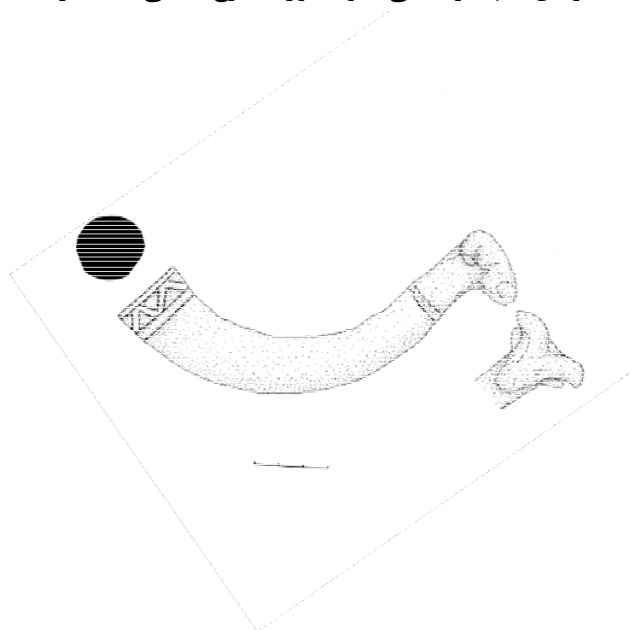
تصویر شماره



طرح شماره

شیء شماره ۴

ریتون مفرغی به طول ۱۴ سانتیمتر و قطر دهانه ۳ سانتیمتر است. این ظرف دارای بدنه هلالی یا شاخی شکل است. اکسیداسیون شدیدی در این شیء ایجاد شده که اگر نقشی هم بر روی بدنه ظرف وجود داشته، به دلیل همین فعل و انفعالات شیمیایی از میان رفته است. بخشی از پوزه و انتهای شاخهای پیچیده و گوشهای سر حیوان انتهای ظرف نیز شکسته و از بین رفته است. گردن ظرف شکسته که توسط افراد سودجو، چسبانده شده و حتی به طرز کاملاً ناشیانه ای بخشی از شاخ های شکسته، توسط همین افراد به بدنه ظرف چسبانده شده است. این شیء به روش ریخته گری ساخته شده و از کاوشهای غیر مجاز در حوزه استان کرمان بدست آمده و هم اکنون در موزه هنرندی کرمان نگهداری می شود (دوره مفرغ میانی) (شماره ثبت موزه: ۷۰۷۳) (نگارنده).



نتیجه و تحلیل داده ها:

آنچه در نگاه اول از بررسی و گونه شناسی این چهار شیء مفرغی بر می آید شباهت بسیار در شیوه ساخت این اشیاء است که به طور حتم یک سبک و دوره فرهنگی مشترک را تداعی می نماید. انتهای بدنه منحنی یا شاخی شکل ظرف به سر حیوانی که در هر چهار مورد بز کوهی است ختم می شود. تزییبات هندسی در دو نمونه پر کار و در دو نمونه دیگر به صورت ساده اجرا شده است. قطر دهانه ظروف اندک و از سه سانتی متر تجاوز نمی کند. حداکثر طول ظروف ۱۴ سانتیمتر و حداقل آن ۱۱ سانتیمتر است. در شیء شماره ۱ و ۳ بدنه ظرف با گردن حیوان زاویه قائم می سازد در حالی که دو شیء شماره ۲ و ۴ دارای بدنه کاملاً منحنی بوده و این انحنا تا رسیدن به انتهای ظرف (سر حیوان) ادامه دارد و از این روی بدنه ظرف کاملاً به صورت کمانی بوده و ایستایی مشخصی ندارد.

چنانچه از شواهد بر می آید صنعت ساخت ریتون های فلزی در تولید انبوه نبوده و شواهد قابل ملاحظه ای از آن از دوران پیش از تاریخ در دست نیست. اما پس از آن در دوران تاریخی به نسبت قبل افزایش می یابد. سابقه هنر ریتون سازی به هزاره چهارم قبل از میلاد یعنی به حدود ۶۰۰۰ سال قبل باز می گردد (۸۰:۱۳۸۷۵، محسنی) و در دوران تاریخی نیز ادامه می یابد که برخی با نمونه های فلزی آن نیز قابل مقایسه است اما نمونه های مشابه به اشیاء فلزی مورد مطالعه در عصر مفرغ گزارش نشده است. از آنجایی محل کشف شیء شماره یک مشخص و تخمین تاریخ آن را میسر نموده است. با اطمینان بیشتری می توان سه شیء دیگر را به دوران مفرغ میانی نسبت داد. آنچه بر این مدعا صحت می گذارد علیرغم شباهت بسیار به برخی از نمونه های تاریخی آن در قالب ظروف فلزی، سفالی و عاجی (تصویر شماره ۵) تفاوت‌هایی آشکار در سبک ساختاری آنها است.



تصویر شماره ۵: تکوک مانده از دوره اشکانی، از جنس عاج، مکشوفه از شهر نیسا، موزه متروپولیتن، ماخذ: <http://mrvnd-2.persianblog.ir>

برای نمونه به مقایسه اشیاء مورد مطالعه و نمونه هایی مشابه از دوران تاریخی پرداخته خواهد شد تا علاوه بر مقایسه ریتونهای منتسب به دوران مفرغ و نمونه های تاریخی آن، سیر تکاملی ساخت این اشیاء نیز بررسی گردد.



تصویر شماره ۶: تکوک شیر غران، هخامنشی، موزه متروپولیتن، ماخذ:

<http://karnaval.ir/tag>

تصویر شماره ۷: تکوک گوزن هخامنشی، ماخذ: <http://karnaval.ir/tag>



تصویر شماره ۸: تکوک سیاه گوش، از جنس نقره، دوره اشکانی، موزه متروپولیتن

آنچه از مقایسه اشیاء موزه ای مورد مطالعه از دوران مفرغ با نمونه های مشابه آن از دوران تاریخی مشاهده می شود به شرح ذیل است:

جنس فلزهای مورد استفاده در ساخت این ظرف به مانند دیگر ظروف و اشیاء فلزی در دوران تاریخی متنوع گردیده و در قالب فلز طلا، نقره و برنز آشکار می گردد که با وجود تنوع استحصال فلزات در این دوران، امری بدیهی است. تغییر آشکار دیگر، ایستایی نمونه ظرفهای مورد مطالعه با نمونه های مشابه آن در دوران تاریخی است به طوری که اشیاء مورد مطالعه موزه ای عصر مفرغ دارای ایستایی ملموسی نیست با این حال اشیاء شماره ۱ و ۳ ایستایی اندکی و اشیاء شماره ۲ و ۴ کاملاً بدون ایستایی است در حالی که در نمونه های دوران تاریخی ایستایی ظروف به وضوح قابل درک است.

از تفاوت های آشکار دیگر، افزایش قطر دهانه این نمونه از ظروف در دوران تاریخی نسبت به نمونه های مشابه در دوران مفرغ است به طوری که حتی بدنه برخی از آنها شیپوری شکل گردیده است (تصویر شماره ۶). علاوه بر آن افزایش قطر و ارتفاع این ظروف در دوران تاریخی کاملاً مشهود است.

در چهار نمونه شئی مورد مطالعه همگی به سر حیوانی چون بز کوهی ختم می شود که به نظر می رسد این شیوه در ساخت تمامی یا اکثریت این نمونه از ریتونها عمومیت داشته است گرچه نمونه های کافی برای چنین نتیجه گیری به دست نیامده است آنچه مسلم است بز در هزاره سوم پیش از میلاد در ایران و بین النهرین،

مورد توجه و در روایات تصویری مذهبی مد نظر بوده است مانند بسیاری از نقوش حجاری سنگهای کلریت و یا نقوش مهر و نقش های بجا مانده از هنر بین النهرین و جنوب شرق ایران، که شاید نماد بز در این ظروف نیز نشانی از بهره گیری آن در مراسم مذهبی و آیینی باشد و با توجه به تولید اندک این نمونه ها در اعصار پیش از تاریخ و تاریخی دور از انتظار نیست. مسلماً آنچه در این قرون به تولید انبوه نرسیده، در اختیار عموم مردم نبوده و در اختیار افراد خاص با رتبه بالای اجتماعی قرار گرفته است. رتبه های اجتماعی بالا در دوران مفرغ مربوط به صاحبان حکومتی و مذهبی است که با توجه به روایات تصویری اثر مهر های بدست آمده از این دوران، بهم در آمیخته و مراسم آیینی و تشریفاتی حکومتی در خدمت خدایان و رب النوع ها بوده است. پس اینکه این ظروف تنها در مراسم آیینی کاربرد داشته باشد دور از انتظار نیست.

آنچه در دوران تاریخی شاهد آن هستیم در کنار اشکال گاو و بز بکار گیری اشکال حیواناتی چون شیر غران، اسفکسها و موجودات اسطوره ای و حیوانات درنده بوده که نماد قدرت است و به نظر می رسد در مراسم تشریفاتی و حکومتی در دوران تاریخی کاربرد داشته است.

تفاوت محسوس در ساخت ریتونهای پیش از تاریخ و تاریخی که به سبک مشابهی ساخته شده اند رابطه مستقیم با تغییر در شیوه های آیینی و اجتماعی داشته در حالی که پیوستگی این شیوه ساخت را در اعصار متوالی نمایان می سازد. ظرافت ساخت ریتونهای عصر مفرغ مورد مطالعه غیر قابل انکار است و وجود تزیینات پر کار و ظریف بر روی آنها نشان از مهارت سازنده و تکامل هنر فلزکاریست که در اعصار تاریخی به تنوع می رسد. پس می توان گفت که مشاهده برخی تغییرات در ساخت ریتونهای مشابه تاریخی بعلت تغییر در رسوم و آیین ها است که با ورود اقوام مهاجر و آریایی به سرزمین ایران بی تاثیر نخواهد بود.

منابع:

-صراف، محمد رحیم، گزارش کاوش باستان شناسی تل ابلیس کرمان، ۱۳۸۲، ص ۷ و ۸
-صادق، ملک شهمیرزادی، ایران در پیش از تاریخ، ۱۳۷۸
-علیدادی سلیمانی، نادر، مقدمه ای بر جغرافیای طبیعی و محیط زیست حوزه هلیل، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی تمدن حوزه هلیل: جیرفت (۱۳۸۳)، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، چاپ اول، ۱۳۸۷

-لغت نامه دهخدا

- محسنی، حسین - سروقدی، محمدجعفر. «باستان شناسی و هنر ماد». در *باستان شناسی و هنر دوران تاریخی*. عفاف، ۱۳۷۵.

-Moory,P.R.S, PREHISTORIC COPPER AND BRONZE METALLURGY IN WESTERN IRAN (WITH SPECIAL REFERENCE TO LURISTAN),
Iran, Vol. 7 British Institute of Persian Studies, 1969
-<http://mrvnd-2.persianblog.ir/tag>